

اینجانب، [حذف نام و نام خانوادگی]، در پاسخ به لایحه اعتراضیه فرجام‌خواه و در دفاع از رأی صادره، موارد زیر را به استحضار می‌رساند:

(۱) در پاسخ به ادعای اول زوج مبنی بر اینکه عدم پرداخت نفقه گذشته نمی‌تواند موجبی برای عسر و حرج زوجه و استحقاق وی به طلاق باشد، اعلام می‌دارد:

اولاً، نفقه یک حق قانونی و مستمر زوجه است و عدم پرداخت آن به معنای سلب حق قانونی وی و بی‌توجهی به نیازهای اساسی زندگی مشترک می‌باشد. در صورت استمرار بی‌توجهی به این تعهد، حتی نفقه ایام گذشته نیز می‌تواند نشان‌دهنده عدم اهتمام زوج به وظایف خانوادگی باشد و استمرار این وضعیت نه تنها به حقوق مالی زوجه، بلکه به کرامت انسانی وی نیز لطمه وارد می‌کند و عدم پرداخت آن، چه گذشته و چه حال، می‌تواند به شرایطی منجر شود که زوجه قادر به تأمین زندگی خود نباشد و این وضعیت به طور مستمر عسر و حرج ایجاد کند. ثانیاً، ماده ۱۱۱۱ قانون مدنی به صراحت به حق زوجه برای درخواست طلاق در صورت امتناع زوج از پرداخت نفقه اشاره دارد. این امر نشان می‌دهد که قانونگذار، عدم پرداخت نفقه را یکی از مصادیق بارز عسر و حرج تلقی کرده است. ثالثاً، در تفسیر عسر و حرج ماده ۱۱۲۰ قانون مدنی که مورد اشاره زوج نیز بوده به عرض می‌رساند که هرگاه رفتار زوج به گونه‌ای باشد که ادامه زندگی مشترک را برای زوجه دشوار سازد، مصداق عسر و حرج است. عدم تأمین نیازهای مالی زوجه به صورت مستمر، قطعاً شرایطی را ایجاد می‌کند که زندگی مشترک برای وی غیرقابل تحمل شود.

چهارم، نظریات مشورتی و آرای وحدت رویه متعدد، به ویژه رای وحدت رویه شماره ۷۱۹ مورخ ۱۳۸۹/۰۴/۰۹، به صراحت بیان داشته‌اند که عدم پرداخت نفقه و ایجاد شرایطی که زندگی را برای زوجه غیرقابل تحمل می‌کند، از مصادیق عسر و حرج است.

(۲) در پاسخ به ادعای دوم زوج مبنی بر پرداخت نفقه به استناد نامه رفع اثر از برگ جلب به شماره [حذف شماره نامه] مورخ [حذف تاریخ]، مشخص می‌گردد که پرداخت نفقه صرفاً پس از صدور حکم جلب و تحت فشار اجرایی صورت پذیرفته است. این در حالی است که نفقه حقی است مستمر و باید به طور منظم و به موقع پرداخت شود. عدم پرداخت نفقه در دوره زمانی پیش از صدور حکم، حق زوجه را برای درخواست طلاق به استناد ماده ۱۱۲۹ قانون مدنی مبنی بر استنکاف زوج از دادن نفقه، به مدت شش ماه به هر عنوان و عدم امکان الزام او به تادیه نفقه، به قوت خود باقی می‌گذارد.

پرداخت نفقه به صورت مقطعی و پس از صدور حکم جلب، نمی‌تواند به عنوان دلیلی بر رفع مسئولیت زوج تلقی شود و حق زوجه برای درخواست طلاق را سلب نماید. ماده ۱۱۲۹ قانون مدنی نیز بر این نکته تأکید دارد که نفقه باید در زمان وقوع طلاق پرداخت شود. بنابراین، عدم پرداخت نفقه در دوره زمانی پیش از صدور حکم جلب، همچنان به عنوان یکی از مصادیق عدم اجرای تکالیف زوج تلقی شده و حق زوجه برای درخواست طلاق را محرز می‌نماید.

زوج در ادعای خود به نقص استناد و استفاده از دلیلی که به زعم وی «فاقد اعتبار» است، اشاره نموده‌اند. این ادعا فاقد اساس قانونی است. حکم جلب صادره به دلیل عدم پرداخت نفقه، خود گواهی بر تخلف زوج از تکالیف قانونی‌اش است.

(۳) در پاسخ به ادعای زوج مبنی بر عدم استحقاق زوجه برای طلاق به دلیل استفاده

از حکم رابطه نامشروع، نیز به اطلاع می‌رساند:

اولاً دادنامه شماره [حذف شماره دادنامه] مورخ [حذف تاریخ]، حکم قطعی و قانونی مبنی بر وقوع رابطه نامشروع توسط زوج می‌باشد. این حکم به منزله اثبات قطعی تخلف زوج از تعهدات زناشویی بوده و به عنوان دلیل موجهی برای درخواست طلاق توسط زوجه قابل استناد است.

دوماً وقوع رابطه نامشروع توسط زوج، نقض آشکار تعهدات زناشویی و خیانت به همسر محسوب می‌شود. این عمل نه تنها موجب سلب آسایش و آرامش روحی زوجه شده، بلکه شرایطی را فراهم آورده است که ادامه زندگی مشترک برای وی غیر قابل تحمل شده است. مطابق تبصره ماده ۱۱۲۰ قانون مدنی، این شرایط می‌تواند به عنوان عسر و حرج تلقی شده و موجب صدور حکم طلاق گردد. سوماً؛ ادعای زوج مبنی بر اینکه عدم تمکین زوجه دلیلی برای ارتکاب جرم توسط وی بوده است، فاقد هرگونه پایه قانونی و اخلاقی می‌باشد. وقوع رابطه نامشروع جرمی مستقل بوده و هیچ ارتباطی با عدم تمکین زوجه ندارد.

\* چهارم؛ حتی یک‌بار وقوع رابطه نامشروع می‌تواند به اعتماد بین زوجین آسیب جدی وارد کرده و بنیان خانواده را متزلزل نماید. این عمل نشان‌دهنده عدم پایبندی زوج به تعهدات زناشویی بوده و به عنوان دلیلی برای عسر و حرج زوجه قابل استناد است.

پنجم؛ اصل مسئولیت فردی یکی از اصول بنیادین حقوقی است. هر فرد مسئول اعمال و رفتار خود می‌باشد و نمی‌تواند مسئولیت اعمال خود را به گردن دیگری بیندازد. تلاش زوج برای توجیه رفتار خود با استناد به عدم تمکین زوجه، نه تنها خلاف اصول حقوقی بلکه مغایر با عدالت نیز می‌باشد.

احتراماً، با بررسی دقیق پرونده و مستندات موجود، رأی صادره در خصوص طلاق، با رعایت کامل موازین قانونی و پس از بررسی دقیق ادله و مستندات طرفین، صادر شده است.

دلایل محکمی که مؤید صحت و اعتبار رأی صادره می‌باشد به شرح زیر است:

(۱) پیشینه قضایی پرونده به روشنی نشان می‌دهد که دادگاه محترم با دقت و وسواس به تمام جوانب امر پرداخته و با استناد به دلایل موجود، رأی خود را صادر نموده است.

(۲) رأی صادره کاملاً منطبق با اصول و قواعد حقوقی بوده و با استناد به مواد قانونی مرتبط، صادر گردیده است.

(۳) تمامی مدارک و مستندات ارائه شده در پرونده، به وضوح دلالت بر استحقاق زوجه برای طلاق دارد.

با توجه به موارد فوق، درخواست می‌گردد دادگاه محترم، با رد اعتراض فرجام‌خواه، رأی بدوی را عیناً تأیید نماید تا بدین ترتیب، حق قانونی زوجه به طور کامل احقاق گردد.

ضمناً، خواهشمند است دادگاه محترم با توجه به اینکه تأخیر در اجرای حکم، موجب تضییع حقوق زوجه خواهد شد، دستور تسریع در رسیدگی و صدور رأی قطعی را صادر فرمایند.

با تشکر و سپاس از بذل توجه جنابعالی